



توحید افعالی نشان می‌دهد هرم هستی يك فاعل بیشتر ندارد

به باور استاد دانشگاه تهران، در هرم هستی يك فاعل بیشتر وجود ندارد و آن خداست که این جهان و انسان‌ها را آفریده، شیطان و پیامبران را نیز او آفریده است. از يك جهت مسئولیت کارهایی که بشر انجام می‌دهد، به عهده خداست؛ چون او می‌توانست اسباب گناه را نیافریند، ولی در نهایت این خود انسان است که تصمیم به ارتکاب گناه می‌گیرد.

به باور استاد دانشگاه تهران، در هرم هستی يك فاعل بیشتر وجود ندارد و آن خداست که این جهان و انسان‌ها را آفریده، شیطان و پیامبران را نیز او آفریده است. از يك جهت مسئولیت کارهایی که بشر انجام می‌دهد، به عهده خداست؛ چون او می‌توانست اسباب گناه را نیافریند، ولی در نهایت این خود انسان است که تصمیم به ارتکاب گناه می‌گیرد.

171#؛ منصور پهلوان؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در نشست 171#؛ انسان در عین مختار بودن مجبور است؟!؛ از سلسله نشست‌های تخصصی دومین جشنواره مطالعات قرآنی دانشجویان ایران که در خبرگزاری ایگنا برگزار شد، اظهار کرد: در يك سری آیات قرآن کریم که هم مشیت الهی را مطرح می‌کند و در يك سری دیگر هم مشیت انسان‌ها را بیان می‌کند، این‌ها با همدیگر تعارض ندارند.

وی افزود: اراده خداوند بر جهان خلقت حاکم است، خدا این دنیا را این‌چنین که هست، خواسته است، البته خدا ظلم و ستم را از ما نخواست است و دستور داده که ظلم و ستم را مرتکب نشویم، ولی يك دنیایی را مهندسی کرده که در این دنیا به اشخاص اراده بدهد، برایشان صدوبیست و چهار هزار پیامبر بفرستد، شیطان هم وجود داشته باشد، وساوس نفسانی هم وجود داشته باشد تا يك صحنه آزمون و امتحان باشد، تا ببیند که انسان‌ها در این امتحان چه می‌کنند.

استاد دانشگاه تهران عنوان کرد: خداوند می‌خواهد ببیند چه کسی در کدام میدان گام برمی‌دارد، بعدا به حساب همه انسان‌ها رسیدگی می‌شود، آن‌هایی که مطابق شرایع و دستورات انبیاء عمل کرده‌اند برایشان پاداش، روح و ریحان خواهد بود و آنها که خلاف عمل کرده باشند، برایشان عذاب خواهد بود. مقصود، این است که خداوند این جهان را پسندیده است که سرای ابتلاء، آزمون و امتحان باشد.

وی تأکید کرد: در این دنیا باید اشخاص نیک و بد در کنار هم باشند و اقدام کنند، یکی کار خوب انجام بدهد، یکی کار بد انجام دهد. يك بحث دیگری هست که شاید مجال و فرصت زیادی برای آن نباشد، در آیه شریفه 17 از سوره مبارکه انفال بیان شده است: 171#؛ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى؛ و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی تو نیفکندی بلکه خدا افکند؛.

وی با بیان آیه شریفه 29 از سوره مبارکه تکویر بیان کرد: 171#؛ وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ و تا خدا پروردگار جهانها نخواهد [شما نیز] نخواهید خواست؛ اگر این آیه شریفه را به تمام مردم سرایت دهیم نه به ائمه معصومین(ع) در این آیات نیز جای سخن از بحث هست که آیا توحید افعالی و انتساب فعل از يك جهت به عبد و از يك جهت به خدا، صحیح است یا خیر؟

وی اضافه کرد: در هرم هستی يك فاعل بیشتر وجود ندارد و آن خداست که این جهان و انسان‌ها را آفریده، شیطان و پیامبران را نیز او آفریده است. اگر کسی دومی در هرم هستی در نظر بگیرد، مشرک است. از يك جهت مسئولیت کارهایی که بشر انجام می‌دهد، به عهده خداست؛ چون او می‌توانست اسباب گناه را نیافریند.

نویسنده کتاب « فرهنگ واژگان نهج البلاغه« تأکید کرد: بنابراین از يك جهت، تمام افعال انسان به خدا منتسب است، عبارت « بحول الله و قوته اقوم و اقعده؛ به حول و قدرت خدا برمی‌خیزم و می‌نشینم«؛ گویای همین مطلب است. من با این جمله ملاهادی سبزواری خیلی مشکل ندارم که می‌گوید: «الفعلُ فعلُ الله و هو فعلنا؛ در حالیکه این فعل ماست، از يك جهت به خداوند منتسب است«.

وی با بیان اینکه دادن اراده و نیرو به انسان از سوی خدا بوده است، تصریح کرد: از این جهت است که حتی کارهای بد ما به يك نظر، به خدا منتسب است، ما مثل ثنویین نیستیم که دوگانه‌پرست باشیم، آنها يك اهریمن و يك یزدان را قبول دارند، ولی ما فقط يك خالق برای این جهان قائل هستیم؛ لذا اگر آیاتی مانند «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى؛ و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی تو نیفکندی بلکه خدا افکند« وجود دارد، نظر به فاعل اصلی دارد.

استاد پهلوان افزود: این خداوند متعال بود که حمایت کرد و عنایت داشت و این همه قوانین در طبیعت قرار داده که تیر چگونه حرکت کند، از چه مسیری برود، آیا مسیر آن توسط باد تغییر کند یا خیر، آیا این تیر تأثیر کند یا خیر، تمام این قوانین را خدای عالم مقدر کرده است؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم همان‌طور که استاد مهدی حائری یزدی در کتاب «هرم هستی« این مطلب را مبسوط بحث کرده‌اند، در عالم هستی يك فاعل بیشتر وجود ندارد.

وی با بیان این سؤال که آیا شایسته است افعال ناصواب را به خدا نسبت دهیم، گفت: ادب اقتضا می‌کند که ما کارهای بد را به خدا منتسب نکنیم، چون خدا نمی‌خواسته که ما کار بد انجام دهیم، خدا صدوبیست و چهار مرتبه در شرایع انبیاء گفته است که کار بد انجام ندهید؛ لذا اخلاقاً صحیح نیست که کارهای ناصواب را به خدا نسبت دهیم و گرنه در توحید افعالی بیان می‌شود که همه کارها توسط خدا و با اراده او انجام می‌شود.

در ادامه این نشست حجت‌الاسلام والمسلمین «رضا برنجکار«، رئیس پردیس قم دانشگاه تهران اظهار کرد: اگرچه از این جهت که حول و قوه انجام افعال را خدا به ما داده است، در افعال ما خدا هم نقش دارد، ولی به هر حال با این فرض که خدا حول و قوه به ما داده، این من هستیم که بلند می‌شوم و می‌نشینم و سایر کارها را انجام می‌دهم؛ بنابراین من مسئول هستم.

منصور پهلوان:

ادب اقتضا می‌کند که ما کارهای بد را به خدا منتسب نکنیم، چون خدا نمی‌خواسته که ما کار بد انجام دهیم، خدا صدوبیست و چهار مرتبه در شرایع انبیاء گفته است که کار بد انجام ندهید؛ لذا اخلاقاً صحیح نیست که کارهای ناصواب را به خدا نسبت دهیم و گرنه در توحید افعالی بیان می‌شود که همه کارها توسط خدا و با اراده او انجام می‌شود. وی افزود: خدا مشیت کرده و اجازه داده و شرایط را برای انجام فعل مهیا کرده، اما در آخر من تصمیم گرفتیم و مرتکب خطا شده‌ام؛ لذا من مسئول هستم. این تفسیر از توحید افعالی صحیح است، ولی يك تفسیر دیگری وجود دارد که غلط است و آن این‌که در واقع خدا اراده کرده که من اراده کنم بالجبر، مثل اینکه من چکشی را برمی‌دارم و ضربه وارد می‌کنم، این چکش ابزار است و من خواسته‌ام که این چکش به این سنگ بخورد و این چکش نمی‌تواند به این سنگ نخورد.

وی با اشاره به این‌که اگر بگوییم خدا اراده کرده که من بالضرورة اراده کنم، این جبر است، گفت: اما اگر بگوییم خدا اراده کرده که من اختیار داشته باشم، خدا اراده کرده که من قدرت داشته باشم، خدا حول و قوه به ما داده و شرایط را مهیا کرده؛ در نتیجه تا خدا آن شرایط را مهیا نکند، من نمی‌توانم تصمیم بگیرم؛ پس تا خدا نخواهد من نمی‌توانم هیچ کاری انجام دهم.

نویسنده کتاب «مبانی خدشناسی در فلسفه یونان و ادیان الهی« ادامه داد: اکنون که خدا خواسته است و شرایط را مهیا کرده و من در نهایت تصمیم به گناه می‌گیرم، در نتیجه من مقصر هستم، اما درباره انجام کارهای نیک نیز، درست است که باز هم خدا ابزار و شرایط را برای انجام فعل مهیا کرده، اما در نهایت باز خود من هستیم که تصمیم می‌گیرم.

وی عنوان کرد: فرض کنید يك پدر به فرزندش مغازه‌ای بدهد، پول هم بدهد، اجناس مغازه را نیز در اختیار او بگذارد و به او بگوید: بیا با این مغازه کسب حلال کن و راه کسب را نیز به او بیاموزد، آن فرزند هم بعد کسب حلال کند، در اینجا فرزند باید بگوید: هرچه دارم از پدرم است چون مغازه را که او به من داد، اجناس هم او داد، پول را هم او داد، راه را نیز او نشان داد و گفت از این راه برو؛ بنابراین باید بگویم که هرچه دارم از پدرم دارم.

برنجکار اضافه کرد: آن پسر می‌توانست با آن امکانات و شرایط، کار خلاف کند و همین پول و سرمایه را در کسب غیر حلال صرف کند و اگر او چنین کاری کند، مردم می‌گویند که مقصر خودش است و درست نیست که این شخص بگوید: من که کار خلاف کردم، پدرم مقصر است. درست است که همه آن امکانات و شرایط را پدر مهیا کرده، اما همان پدر گفته که از راه حلال برو و کسب حلال کند. این دو جنبه که در این مثال بیان شد، با هم تفاوت دارند، گرچه در هر دو آن پسر تصمیم گرفت و اختیار داشت.